

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Recognizing the Elements of the Agricultural Landscape in Kamu va Chogan
city, Iran
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بازشناسی عناصر منظر کشاورزی کامو و چوگان*

مرتضی همتی^۱، آذرنوش امیری^{۲**}

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۰ تاریخ اصلاح: ۹۹/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۷ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۷/۱۰

چکیده

شهر کامو و چوگان با حفظ ویژگی‌های روستایی پیشین خود یکی از سکونتگاه‌های تاریخی مهم در مرکز فلات ایران است. یکی از شاخص‌ترین وجوه فرهنگی این شهر، کشاورزی آن است که از معیشت غالب روستاییان منتج شده است. کارکرد هویتی معیشت کشاورزی که بر لایه‌های متفاوتی از زندگی اجتماعی و فردی روستاییان اثر گذاشته است منظر ویژه از روابط فرهنگی خلق کرده که تحت عنوان «منظر کشاورزی» قابل بررسی است. شناخت منظر کشاورزی کامو و چوگان از این جهت ضروری است که تصمیم‌های آینده برای حفظ و پایداری یا توسعه این منظر را سهولت و تدقیق می‌کند. با این وجود شناخت این منظر منوط به کشف «عناصر هویت‌بخش» یا نمادهای آن است که در طول سالیان متممادی توسط ساکنین آن در تعامل با طبیعت پیرامون به وجود آمده است. بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به «چیستی عناصر منظر کشاورزی کامو و چوگان» است و با روش مطالعه موردی و تحلیل محتوا به ارزیابی داده‌های موجود می‌پردازد. به همین منظور در این نوشتار ابتدا عنصر منظر و منظر کشاورزی تبیین می‌شود و پس از آن عناصر منظر کامو و چوگان در سه دسته «اراضی کشاورزی»، «محصولات کشاورزی» و «اجتماع کشاورزی» به تفصیل به بحث و معرفی گذارده می‌شود و در پایان براساس آن راهبردهایی به منظور حفظ و توسعه این عناصر معرفی و بیان می‌شوند.

واژگان کلیدی: کامو و چوگان، منظر روستایی، منظر کشاورزی، منظر متمرکز، عناصر منظر.

مقدمه

طبیعی مانند موقعیت، وضع ناهمواری‌ها، آب و هوا و پوشش گیاهی، «نحوه برپایی، دامنه و پیامدهای حاصل از فعالیت‌های گوناگون گروه‌های روستایی»، «فضا یا چشم‌انداز خاصی که نتیجه و سمبل فعالیت‌های خاص انسان در مکان معین است. این فضا نمایانگر نحوه استقرار خانه‌ها، شیوه بهره‌برداری از منابع، روابط مالکیت، نوع و دامنه تولید و حتی چگونگی استقرار و جایگاه هر خانواده یا گروه در کل مجموعه یا اجتماع روستایی است» دانست (راهب، ۱۳۸۴، ۱۱۱). با این حال ویژگی‌های فوق نمایانگر وجه کالبدی و فیزیکی روستا است و منظر روستا به عنوان مفهومی ادغام‌شده از عینیات و ذهنیات، شامل مفاهیمی گسترده‌تر است. منظر روستایی را می‌توان نتیجه سیر اندیشه ساکنین و متأثر از عوامل فرهنگی و کالبدی روستا دانست. هر روستا دارای محیط جغرافیایی ویژه‌ای است که در ارتباط با فرآیند زیستن و این هویت در مؤلفه‌های آن متبلور می‌شود. منظر روستایی برخلاف اقتصاد مصرفی شهر،

شهر کامو و چوگان که از به هم پیوستن دو روستای تاریخی با همین نام به وجود آمده است^۱ بر دامنه‌های غربی کوهستان کرکس در شمال استان اصفهان با اقلیمی گرم و خشک قرار دارد. دامنه‌های کرکس به دلیل وجود منابع آب کافی و نیز اعتدال شرایط اقلیمی و رویش انواع گیاهان بستر مناسبی برای استقرار روستاهای خودبسنده‌ای چون کامو و چوگان است. روستا به عنوان یک مجتمع زیستی دارای مؤلفه‌های منحصر به فردی است که آن را از پدیده‌های مشابه آن متمایز می‌سازد. مهمترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده روستا را می‌توان «مکان یا محیطی

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی گردشگری منظر بومی کامو است که در سال ۱۳۹۷ در پژوهشکده نظر و به سرپرستی دکتر سید امیر منصوری صورت پذیرفته است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۳۷۶۰۰۳۳، azarnushamiri@gmail.com

عنصر منظر

درک منظر از خلال نمادها یا عناصر تشکیل دهنده آن شکل می‌گیرد. به همین منظور برای فهم منظر به عنوان یک کل -در این نمونه منظر کشاورزی کامو و چوگان- باید نخست عناصر منظر آن را شناخت. لیکن تشخیص عناصر منظر خود منوط به شناخت مفهوم نماد یا دال است. دال (نماد) بر دایره وسیع معنایی (مدلول) دلالت می‌کند. نمادها ساخته وجدان عمومی جوامع و محصول تاریخ است. تکرار مفاهیم مترادف برای یک نماد و افزوده شدن تدریجی معنای جدید به آن، «یک عنصر»، حوزه مفهومی گسترده‌ای را می‌سازد که مرز دقیقی ندارد و نماد بر همه آنها دلالت می‌کند؛ لکن انتخاب معنای مورد نظر و درک و تدقیق آن بر عهده مخاطب است. دال، عنصر دلالت کننده و بیان گر معنا و مدلول، محتوای آن است. در فرهنگ نشانه‌شناسی، دال و مدلول دو هویت جداگانه هستند که رابطه‌ای میان آنها برقرار است. استقلال دال و مدلول در نظام نشانه‌ها تأثیر اساسی در روش مدیریت و کنترل آن دارد. مدلول، مفهومی است که در طول تاریخ به یک نماد نسبت داده شده و ناظر امروز، که از ظرف خاطره‌ای گذشتگان بهره می‌گیرد، با بازخوانی آن به بخشی از مفاهیم گذشته و منتسب به آن دست می‌یابد. ادراک معنا در رابطه میان دال و مدلول، وابسته به دو چیز است: ذهن تاریخی و عقل. اگر مخاطب نماد، خاطره‌ای از مفاهیم مربوط به نماد خاص نداشته باشد، هرگز امکان فهم معنای آن پدید نخواهد آمد. عقل فقط ابزار ایجاد رابطه میان نماد و خاطره مفاهیم است. فهم ارتباط میان این دو، از جنس ادراک وجدانی و حسی نیست، بلکه تنها به مدد عقل ممکن می‌شود (منصوری، ۱۳۸۹، ۶). عناصر منظر از جنس نماد هستند که بر مفاهیمی عینی-ذهنی دلالت دارند. به همین جهت است هنگامی که از عناصر منظر کامو و چوگان سخن آورده شد، هم به موضوعات کالبدی اشاره می‌شود و هم ادراکات ذهنی مخاطبان آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

منظر کشاورزی

مزارع کشاورزی جزء لاینفک مناظر روستاها و شهرهای کوچک هستند؛ زیرا حیات و توسعه سکونتگاه‌های انسانی بدان وابسته است. برای هر روستا می‌توان چهار کارکرد اصلی را بیان کرد: «سکونت»، «معیشت»، «امنیت»، «اجتماع». کارکرد «معیشت» در امتداد کارکرد سکونت قرار می‌گیرد و یکی از اساس‌های یکجانشینی بشر در روستا شکل معیشتی وی است. معیشت روستاهای ایران عموماً بر پایه کشاورزی -و همچنین دامداری- است که سال‌ها شکل پایداری از زندگی را برای ساکنین آن فراهم می‌کرد (قاسمی، ۱۳۸۸، ۲۲۱). منظر کشاورزی شکلی از منظر است که نمادها یا عناصر منظر آن در ارتباط با «معیشت کشاورزی» شکل گرفته باشد. چنانکه

بر پایه اقتصاد تولیدی شکل گرفته است. بر این اساس نظام کشاورزی به‌عنوان زیرساختی اقتصادی در روستاها مطرح بوده و ویژگی‌های حاصل از آن علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و عامل فرهنگی، بطن و بستری برای خوانش منظر کلی روستا به‌شمار می‌رود. وجه معیشتی کشاورزی در زندگی روستایی تا اندازه‌ای بارز است که شکل متمایزی از روابط معنایی و سوژه‌های فرهنگی را پدیدار کرده است که آنها را می‌توان در دسته‌ای مستقل -و زیرمجموعه منظر فرهنگی- با عنوان «منظر کشاورزی» مورد بحث قرار داد. چنان‌که شناخت مناظر به واسطه نمادهای آنان صورت می‌پذیرد، بنابراین برای شناخت منظر کشاورزی باید ابتدا نمادها یا عناصر منظر آن در کامو و چوگان شناخته شود. این پژوهش به دنبال شناخت و دسته‌بندی عناصر منظر کشاورزی کامو و چوگان است و در آن ابتدا عنصر منظر و منظر کشاورزی را تعریف می‌کند، سپس با معیار قرار دادن آن، به معرفی، توصیف و دسته‌بندی این نمادها می‌پردازد.

سؤال پژوهش

عناصر شکل دهنده منظر کشاورزی کامو و چوگان چیست؟ از قرائت منظر اراضی، محصولات و اجتماع کشاورزی، به عنوان عناصر منظر کامو و چوگان چه راهبردهایی حاصل می‌شود؟

فرضیه پژوهش

براساس بررسی نمادهای منظر کشاورزی، به نظر می‌رسد بتوان عناصر تشکیل دهنده منظر کشاورزی کامو را در سه دسته «اراضی کشاورزی»، که به مکانیت و ویژگی‌های فرمی و فضایی اراضی کشاورزی کامو و چوگان می‌پردازد، «محصولات کشاورزی»، که به وجه مثمر کشاورزی و باغداری مربوط می‌شود و شامل گونه‌های گیاهی مثمر چون تاک -به صورت فراوان- و درختان مفیدی چون صنوبر، بید و... است و همچنین «اجتماع کشاورزی» که معطوف به تأثیرات منظر کشاورزی بر روابط انسانی کامو و چوگان است، دسته‌بندی کرد.

روش تحقیق

با توجه به آنکه هدف کلی این پژوهش بررسی و مشاهده تفصیلی ابعاد مختلف منظر کشاورزی کامو و چوگان و تفسیر داده‌های به دست آمده از آن با دیدگاهی کل‌گرا بود، روش تحقیق مطالعه نمونه موردی انتخاب شد. منظر کشاورزی کامو و چوگان به عنوان یک سیستم که شامل عناصر و روابط فرهنگی ویژه‌ای است در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و سعی در درک اجزاء و فرایندهای این نظام است. عموم داده‌های کیفی پژوهش به صورت میدانی و از طریق مشاهده به دست آمده که پس از آن با داده‌های کتابخانه‌ای تدقیق و ترکیب شده است.

باید مورد توجه قرار گیرد آن است که منظر روستا به عنوان یک کل غیرقابل تفکیک باید انگاشته شود که در آن تمامی مفاهیم ذهنی و نموده‌های فیزیکی همزمان و یکپارچه ظهور می‌یابد. بنابراین هنگامی که از حفظ و توسعه منظر روستا سخن به میان می‌آید مقصود نگهداری و گسترش کالبد روستا به صورت تاریخی آن نیست، بلکه همراه آن باید زندگی جمعی روستاییان با تمام نموده‌های فرهنگی‌اش نیز حفظ و اشاعه شود. به عبارتی، منظر روستا قابل تفکیک از زیست ساکنین آن نیست. بنابراین منظر کشاورزی کامو و چوگان یک کلیت است که از هم‌تنیدگی ویژگی‌های جغرافیایی این منطقه و سرگذشت تاریخی محیط آن در تعامل با ساکنین امروز و دیروزش شکل گرفته است. مبرهن است که عناصر منظر کشاورزی کامو و چوگان نیز از دریچه گزینش ادراکی ساکنین آن قابل فهم است.

عناصر منظر کامو و چوگان • اراضی کشاورزی

به نظر می‌رسد منظر کشاورزی با تأثیر بر لایه‌های مختلف زندگی انسانی مانند پایداری محیطی در روند تولید محصول و مصرف آن، مشارکت مردمی در مدیریت آن، طبیعت‌گرایی و داشتن حس تعلق به آن و به وجود آوردن منظر فرهنگی مؤثر است (شیبانی و صادقی، ۱۳۹۱، ۱۴). بنابراین اگرچه منظر کشاورزی بر بنیادی عملکردی صورت گرفته است اما استمرار آن محیط فرهنگی تولید کرده که نقشی منظرین دارد. اراضی کشاورزی را در دو مقیاس می‌توان مورد بررسی قرار داد، از مقیاس کلان که به روابط میان اراضی و انتظام و ترتیب‌های ویژه‌ای که میان آنها وجود دارد نگریند یا آنکه در مقیاس جزء، به ویژگی‌های فرمی و فضایی آنان توجه کرد. در مقیاس کل، درهم آمیختگی معیشت کشاورزی و زندگی روزمره مردم روستا به حدی است که قابل تفکیک از یکدیگر نیستند و تمامی کارکردهای روستا وابسته به وجود زمین‌های کشاورزی و فعالیت اهالی بر آن است. چنانکه منظر کشاورزی علاوه بر آنکه منبعی قابل اعتماد برای رفع نیازهای معیشتی است، به وجودآورنده نظام هویتی-اجتماعی نیز محسوب می‌شود (شرقی، مهدی‌نژاد و مولایی، ۱۳۹۵، ۱۱۸-۱۲۴). با این حال «زمین‌های کشاورزی» در کامو از مقوله‌ای صرفاً عملکردی خارج شده، فراتر رفته و واجد ویژگی‌های ذهنی و هویتی شده است که در ارتباط با شهر نقشی منظرین می‌پذیرد. شکل اراضی کشاورزی مبتنی بر شیب و جنس زمین و همچنین نحوه آبرسانی-مسیل‌ها و آبراهه‌های طبیعی یا شیوه‌های آبیاری مصنوعی- است. از آنجا که کامو و چوگان بر دامنه بلندی‌های کرکس واقع شده است، در طول اراضی آن شیب‌های متفاوتی وجود دارد. با توجه به آنکه اساس نظام آبیاری مبتنی بر تنظیم شیب است، در منظرهای

در مقدمه نیز آورده شد، مؤلفه‌های سازنده روستا هم عناصر کالبدی چون «مکان»، «نحوه برپایی»، «فضا» (راهب، ۱۳۸۴، ۱۱۱) است و هم مفاهیم هویتی و فرهنگی آنان است. اگرچه برخی از صاحب نظران آن را به عنوان مفهومی کالبدی آورده‌اند. برای نمونه «تیزوس» و «کولوری» آن را «محصولی بصری از کاربری‌های انسانی در زمین و سیستم‌های مدیریتی‌اش» بیان کرده (Kizos & Koulouri, 2006, 330) و مارشال آن را «موزاییک‌های زیستی شامل زمین‌های کشاورزی، سکونت نیمه طبیعی و زیرساخت‌های انسانی (مانند راه‌ها)» (Marshall, 2002, 365) بیان داشته‌اند. ولی «سامه» در وصف روستا به مثابه منظر آورده است: «انسان از طریق آبادی‌گزیدن-محیطی را در یک منظر محدود کردن- موقعیت خویش را در محیط طبیعی شروع می‌کند و با تکیه بر آن، به مبادله اندیشه‌ها، احساسات و فرهنگ خویش با هم‌نوعان می‌پردازد. روستا در بستر خود، یک مرکز را نیز شامل می‌شود؛ مکانی که در آن زمین و آسمان برای آفرینش کلیتی پرجذبه، در کنار یکدیگر نفوذ کرده باشند. این مرکز با افشاء و پدیده‌آوری کیفیاتی که در لحظه حضور دارند، کانونی جهت تجلی حضور انسان در طبیعت برای ارائه یک منظر کالبدی را تشکیل می‌دهد. برای اینکه یک روستا بتواند در این سطح ظاهر شود، باید متناسب با دورنما، بر پیکره پیرامون چیره شود. این همان کیفیتی است که شاید امکان فراخوانده شدن روستا تحت عنوان یک مقصد برای بازدید و گردش خودآگاه فراهم می‌سازد (سامه و سامه، ۱۳۹۳، ۴۰). «تقوایی» نیز آورده است: «بعد اول ادراکی است که در خلال آن تصویر و شاکله کلی روستا نمایان می‌شود. این سیمای کلی متشکل از بستر زمین، آسمان و افق، می‌تواند سیلوئت (خط آسمان) و منظر اولیه روستا به شمار آید. در ادامه سیما و ساختار روشن تر منظر روستا مشاهده می‌شود. سپس در طی سلسله مراتب رسیدن به روستا مراتع، مزارع و باغ‌ها، بافت کلی و جلوه‌های ظاهری، ساختمان‌ها و ترکیب مصالح عمده شناخته شده و برخی اجزاء منظر درک می‌شوند» (تقوایی، ۱۳۹۲، ۲۶). این نمایش منظر روستا، اولین تصویری است که برای معرفی و شناخت کلی به مخاطب ارائه می‌شود. تصویر کلی نشان‌دهنده ابعاد عینی روستاست که در پیوند با عوامل متعددی مانند معیشت، زیست و راه ارتباطی میان این دو، شکل پذیرفته است (ناصری، ۱۳۹۷). بعد دوم منظر روستایی را مؤلفه‌هایی شکل می‌دهند که نشأت گرفته از بوم و هویت منحصر به فرد هر روستا هستند. این مؤلفه‌ها تحت تأثیر عواملی چون اقلیم، مشخصه‌های بومی و ویژگی‌های محلی، در هر پهنه از محیط متفاوت بوده و تفاوت و تنوع میان آنها، معرف هویت کلی روستاها است. این مشخصه‌های هویتی منظر در مصادیقی چون معماری، لباس و پوشش‌های محلی، مراسم و آئین‌های مذهبی و دیگر نموده‌های هویتی بروز می‌یابد. آنچه

چنان که اگر بپذیریم غالب شهرها مملو از عمارت‌های مصنوعی، و طبیعت بیرون نیز خالی از تصنع و انتزاع بشر است، می‌توان این طبیعت گزیده و کاشته شده - در بستری از طبیعت بیرونی - را از عناصر منظر کشاورزی دانست.

• محصولات کشاورزی

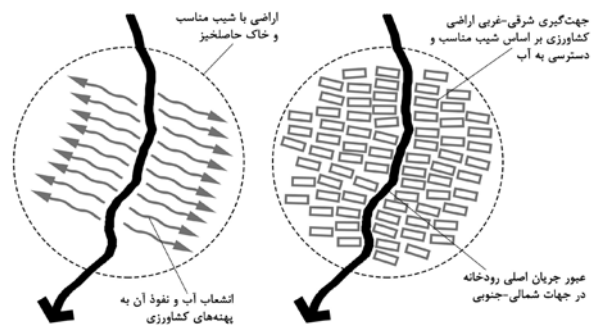
نمودهای مناظر روستایی نشان از ارتباط بی‌واسطه زندگی انسان با طبیعت و تشکیل یک «زیست‌بوم» دارد. زیبایی، که تجربه خصوصیات ادراکی و احساسی منظر با استفاده از تمام حواس است از راه منظر کشاورزی وارد زندگی مردم می‌شود و از دریچه منظر متمرکز برای آنها معنا می‌یابد. از نقطه نظر اکولوژیکی نیز درک زیبایی منظر با تأثیر سودمندی آن بر انسان گره خورده است (شیبانی و صادقی، ۱۳۹۱، ۱۵-۱۰).

«ترتیب کاشت زمین‌های کشاورزی و نظام کاشت» در مقیاس کلی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده مناظر کشاورزی روستایی است. در آبادی‌های که به طور سنتی در ایران شکل می‌گرفته‌اند، ریتم قرارگیری دانه‌های شهری بسته به شیوه تأمین آب شهرها به وجود آمده است و سه عامل آب، گیاه (باغ‌ها و مزارع) و بافت‌های معماری عناصر تشکیل‌دهنده شهر بوده است (شیبانی و اساعیل‌دخت، ۱۳۹۴، ۱۴). زندگی کشاورزی نیز بر اساس نگاه کل‌نگر به وجود می‌آید. نگاه کل‌نگری که برای استفاده از منابع آبی یک سیستم تعریف کرده و زندگی حول آن شکل گرفته است. ارتباط کشاورزی با زیرساخت‌ها و منابع آبی، به منظر کشاورزی جهت بخشیده و حیات اقتصادی روستا و ساختار کلی شکل‌دهنده آن، تابع سلسله‌مراتبی از جهت‌گیری و نحوه حضور آب در زمین است. حضور آب از طریق آبراه‌ها -مسپیل‌ها و شیارهای طبیعی- یکی از عوامل شکل‌دهنده منظر اراضی کشاورزی است. در شهر کامو و چوگان، مسپیل آبی که از کوه کرکس سرچشمه می‌گیرد در ارتفاع بالاتر، روستای کامو و در دامنه کوه روستای چوگان را سیراب می‌کند. با این حال نکته مورد توجه این است که این دو روستا برخلاف نظم معمول

کلی اراضی کشاورزی به صورت زمین‌هایی با اشکال هندسی غیر همسان به نظر می‌رسد که هر کدام با شکلی منحصر به فرد بر شیب زمین فائق آمده‌اند. علاوه بر آن جنس زمین نیز در این مکان عامل تشخیص است؛ چنانکه خاک حاصل خیز این دو روستا به دلیل وجود اکسید آهن به سرخی تمایل دارد. خاک سرخ‌رنگ کامو و چوگان علاوه بر آنکه بر رنگ بستر زمین‌های کشاورزی مؤثر بوده، به اینیه گلی برآمده از زمین نیز رنگی منحصر به فرد داده است. عامل دیگر چنانکه اشاره شد، نحوه آبرسانی است. منابع آب همواره اصلی‌ترین عامل در نحوه شکل‌گیری اراضی هستند. با توجه به آنکه آب اراضی کشاورزی توسط رودخانه کامو و رشته‌های قنات تأمین می‌شود، راستای حرکت طبیعی جریان آب بر روی زمین، به صورت بنیادین جهت‌گیری این اراضی را تحت تأثیر قرار داده است. رودخانه کامو که از شمال شرقی به جنوب غربی جریان دارد همچون ستون فقراتی مزارع، باغات و نهالستان‌ها را که به صورت مستطیل‌هایی کشیده شده در جهت شرقی-غربی هستند انتظام بخشیده است (تصویر ۱)؛ اگرچه با تغییراتی که به صورت مصنوعی در جهت رودخانه به وجود آمده است، شکل و کیفیات زمین‌های کشاورزی نیز دچار تحول شده است. در مقیاس جزء نیز، توجه به شکل هندسی و انتزاعی زمین کشاورزی در مقابل طبیعت غیر منتظم خود از تشخیص‌های فضایی این جزء فضاها است. یکی دیگر از شاخصه‌های این زمین‌های چهارگوش، تأکید بر اضلاع آن از طریق ایجاد عناصر عمودی -دیوارک‌های چوبی یا گیاهان- به منظوره بیان حق مالکیت است. این محدوده گزینش‌شده هندسی، به لحاظ فضایی چه از درون و چه از بیرون -کیفیت فضایی را به وجود می‌آورد که منحصر به طبیعت مصنوعی یا کاشته شده است و با آنچه به صورت طبیعی در بیرون وجود دارد متفاوت است (تصاویر ۲ و ۳). از طرفی این مصنوعی بشر با مصنوعات دیگری چون اینیه و عمارت‌هایی که می‌سازد تمایز آشکار دارد. شاید بتوان این فضای بینابینی را یکی از شاخصه‌های اصلی روستا دانست.



تصویر ۲. اراضی کشاورزی که توسط درختان بلند صنوبر یا عوارض طبیعی از یکدیگر مرزبندی شده‌اند و زمینی تقسیم شده به وجود آورده‌اند، از عناصر منظر کامو و چوگان است. عکس: مرتضی همتی، ۱۳۹۷.



تصویر ۱. نحوه قرارگیری اراضی کشاورزی نسبت به جریان رودخانه کامو و چوگان. مأخذ: نگارندگان.

دیرزیست نقش مهمی در هویت بخشی به مکان را دارد. به عبارتی در روستای کامو، درخت بید به عنوان عنصری منظرین تعریف می شود. علاوه بر آن «درخت صنوبر» یکی دیگر از عناصر منظر شاخص کامو و چوگان است. ساکنین کامو با کاشت درختان صنوبر در اطراف زمین هایشان به بیان مالکیت اراضی می پردازند. گره خوردن مالکیت اراضی با موضوع تعلق بیانگر رویکرد عاطفی و احساسی از ارتباط انسان و مکان است (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰، ۲۹). علاوه بر آن فراوانی درختان صنوبر در شهر کامو و استفاده از چوب این درختان در تمامی لایه های زندگی مردم گواهی بر این امر است که برای مردم کامو در واقع باری هویتی را شکل داده است و به عنصری منظرین بدل شده است. با این حال قرائت منظر محصولات کشاورزی امروز کامو و چوگان بیانگر آن است که از فراوانی محصولات درختان میوه، مزارع کشت و نهالستان ها کاسته شده است. کاهش محصولات کشاورزی نشان از تحول منظر کامو و چوگان تحت تأثیر کم شدن منابع آبی، مهاجرت ساکنین و عدم اهتمام ساکنین به حفاظت از منظر محصولات کامو و چوگان دارد.

• اجتماع کشاورزی

نظام اجتماعی هر روستا در طول زمان براساس مراودات اجتماعی ساکنین آن در طول زمان شکل می گیرد. شناخت روستا در بستر حیات اجتماعی ساکنین، گامی است در جهت شناخت مفهوم آن؛ چرا که شناخت ما از هر پدیده ای به درجه شناخت ما از فرآیندهای آن پدیده بستگی دارد (حبیبی، ۱۳۷۸). روستا از قدیمی ترین واحدهای اجتماعی و تشکیلاتی است که در آن گروه هایی از مردم روستایی برای همکاری در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرد هم جمع یافته اند. انسان نخستین با رواج کشاورزی به زندگی یکجانشینی پرداخت و در پی آن مفهوم «سکونت» در بروز عینی خود موجب شکل گیری آبادی شد (راهب، ۱۳۸۴، ۱۰۷). بررسی منابع آبی،



تصویر ۳. درختان صنوبر که به وفور در این محدوده ساخته شده اند و از قامت کشیده آنها برای مرزبندی و حفاظت باغات و مزارع و از چوبشان برای صنعت نجاری بهره برده می شود از عناصر منظر این محدوده است. برخی از ساکنین نام چوگان را مرتبط با حضور این گونه گیاهی تعبیر می نمایند. عکس: مرتضی همتی، ۱۳۹۷.

سیستم کاشت کشاورزی (باغ- نهالستان- مزرعه)، نظام کاشت گیاهی متفاوتی دیده می شود که این موضوع خود موجب تمایز منظرین اراضی کشاورزی این محدوده شده است. در کامو و چوگان به دلیل تحول و تناوب منابع آبی در طول زمان و همچنین جهت گیری متنوع حاصل از آن، ترتیب معمول کاشت کشاورزی متحول شده که خود موجب ادغام باغات، نهالستان ها و مزارع شده است. یکی از نمودهای این مناظر سودمند، منابع خوراکی از ثمرات درختان است که در قالب میوه نمود پیدا می کند. میوه ها، نخستین منابع غذایی بشر، حتی قبل از تهیه گندم بوده اند. از شاخص ترین مناظر متمرکز کامو و چوگان، «تاک و میوه انگور» است که علاوه بر وجه مادی دارای ارزش های فرامادی نیز شده است (تصویر ۴). نمونه آن نمود انتزاعی آن در بر بدنه داخلی قسمتی از بنای امامزاده یوسف در قالب عنصری تزئینی است (تصویر ۵). اما شکل دیگری از سودمندی در استفاده از سایه اندازی - همچنین چوب- «درخت بید» در جوار رودخانه دیده می شود که اگرچه اثر چندانی از رودخانه باقی نیست ولی می توان بید را به عنوان نمادی خاطره انگیز از آن در ذهن آورد. نکته قابل توجه اینکه در فرهنگ ایرانی اهمیت درختان صرفاً به جهت سبزینگی آنها نیست و بسیاری از درختان نماد و نشانه محسوب می شوند و هویت مکان را مشخص می کنند. تصویر درخت در آثار سنگی بناهای کهن و متأخر ایرانی، بی شک نشانگر موضوعی فراتر از یک فرم یا تصویر تزئینی است و به جایگاه تقدس و احترام می پردازد (صادقیان و مدنی، ۱۳۸۸، ۷۱). درخت بید نیز به عنوان درختی



تصویر ۴. انگور از میوه های مشهور این خطه است که در صحنه های متعددی از زندگی روزانه ساکنین حضور دارد. عکس: مریم جلیلی، ۱۳۹۷.

از دسته‌های مفهومی را معرفی کرد. راهبردها دستورالعمل‌هایی هستند که بر کلیت‌ها مترتب هستند؛ چنانکه نگرش راهبردی، از نظریه‌ها و دانش‌های عام فلسفی و علمی همچون نظریه سیستم‌ها و نظریه توسعه پایدار و مانند اینها تأثیر پذیرفته است و بنابراین خصائل عام علوم فلسفی و اجتماعی را در خود دارد. با توجه به این ملاحظات، رهیافت راهبردی به منظر کشاورزی کامو و چوگان صرفاً شیوه‌ای فنی و راهکاری عملی برای تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری نبوده و هدف نهایی آن تأمین توسعه پایدار و اعتلای کیفیت زندگی در آن است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵، ۵۱). بنابراین با شناخت منظر کشاورزی چوگان، به عنوان کلیتی که محصول نگرش عینی-ذهنی به عناصر آن است، باید بتوان راهبردهایی بیان کرد که متضمن توسعه و اعتلای پایدار منظرین آن است:

- اراضی کشاورزی: حفظ و توسعه منظر کشاورزی کامو و چوگان منوط به صیانت از ویژگی‌های زیستی و هویتی «راضی کشاورزی» بوده که جنس، رنگ، شیب، جهت و قلمرو آن است. به این منظور هر اقدامی که در راستای حفظ یا گسترش اراضی کشاورزی صورت می‌گیرد، باید با اصل قرارداد جنس و رنگ سرخ خاک و در تطابق با شیب طبیعی کوهپایه‌ای صورت گیرد. علاوه بر آن نحوه آبرسانی طبیعی، جهتی شرقی-غربی به اراضی کشاورزی بخشیده است که هرگونه توسعه آبی باید در راستای این جهت صورت گیرد. همچنین نحوه ایجاد قلمروی اراضی کشاورزی با عناصر و مصالح طبیعی، باید حفظ و اشاعه شود.
- محصولات کشاورزی: نظام منحصر به فرد مترتب بر محصولات کشاورزی کامو و چوگان در دو مقیاس کلان و خرد باید شناخته و حفظ شود. در مقیاس کلان، تمایز مترتب بر نظام کاشت محصولات باید در توسعه‌های آبی رعایت شود. همچنین سه گیاه تاک، بید و صنوبر اصلی‌ترین عناصر هویتی محصولات کشاورزی هستند و باید به عنوان پتانسیل‌های زیستی، اقتصادی و فرهنگی گسترش یابند و بر استفاده از آنان به صورت مستقیم (از ثمره زیستی و اقتصادی) و غیر مستقیم (ثمره فرهنگی) بهره‌وری شود.
- اجتماع کشاورزی: اسامی، مرادفات فرهنگی و طبقات اجتماعی حاصل از ارتباط بی‌واسطه با طبیعت در طول سالیان ایجاد شده است و نظامی از مجموعه‌ای از مفاهیم و خاطرات جمعی پدید آورده است که در صورت بازتولید و مطابقت با زندگی امروز، می‌تواند توسعه هویت‌مند منظر کشاورزی کامو و چوگان را تضمین کند.

نتیجه‌گیری

زندگی روستایی با تأکید بر ارتباط پایدار بین زندگی انسانی و طبیعت شکل گرفته است. از بنیادی‌ترین شکل‌های معیشت



تصویر ۵. ظهور انگور به صورت نقش تزئینی بر دیوار داخلی قسمتی از امامزاده یوسف. عکس: مریم جلیلی، ۱۳۹۷.

این عنصر حیات‌بخش از منظر تأثیر آب به عنوان تأمین زندگی برای ادامه حیات می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. در طول قرن‌ها این آبراهه‌ها منبع کشف‌ها بزرگ کشاورزی بوده‌اند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲، ۱۹). با این بررسی‌ها در واقع شکل طبیعی زمین و تغییر کدهای ارتفاعی در محدوده مورد مطالعه، وجود روستا کامو و چوگان بر دامنه کوهستان کرکس سبب شده تا سازمان فضایی از ساختار سلسله‌مراتبی دو سطحی برخوردار شود. به نظر می‌رسد در این نظام کشاورزی براساس عوارض طبیعی مانند حضور آب و کد ارتفاعی - قرار گرفتن روستای کامو در بالادست و روستای چوگان در پایین دست و روستای کامو در حکم کنترل‌کننده آب در این نظام - نظامی طبقاتی ایجاد شده و ذهنیتی در ساکنین این منطقه ایجاد کرده است که نمود آن در اسامی ساکنین این محدوده - با نام‌ها اربابیان، رعیت و زارعیان - رفتارها و مرادفات اجتماعی‌شان هویداست (تصویر ۶). بررسی نمودهای مختلف نظام اجتماعی دو روستا کامو و چوگان در زندگی روزمره و رفتارهای جمعی ساکنان آن که بیانگر شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی آنان بر بنیاد نظام مالکیتی است، خود محصول یک منظر کشاورزی است که نه تنها تولید رفتار و احساسات فضایی ویژه‌ای برای ساکنان آن می‌نماید، بلکه در نگرش آنان به هستی پیرامون خود اثرگذار است. علاوه بر این سطح از تأثیرات، همچنین می‌توان از سطحی دیگر از اثرپذیری جامعه کشاورز کامو و چوگان سخن آورد. به طور نمونه نمود عناصر کشاورزی در نام‌گذاری کوچه باغ‌های این شهر با نام تاکستان ۱، تاکستان ۲ و... خود پیام از آگاهی خردجمعی ساکنین از عناصر منظر کشاورزی روزانه خود دارد.

راهبردهایی به منظور حفظ و توسعه منظر کشاورزی کامو و چوگان

به منظور شناخت عناصر منظر کشاورزی کامو و چوگان و طبقه‌بندی آن در دسته‌های مفهومی، با هدف «حفظ و توسعه» منظر کشاورزی این منطقه، می‌توان مهم‌ترین راهبردهای هر یک

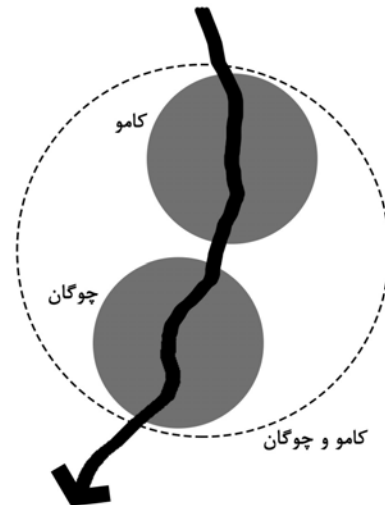
گرفتند و توصیف شدند. در اراضی کشاورزی «زمین کشاورزی» و تکنیک‌های «ترتیب کاشت زمین‌های کشاورزی و نظام کاشت»، در محصولات کشاورزی، سه گیاه سودمند «تاک (انگور)»، «بید» و «صنوبر» و در اجتماع کشاورزی «نظام ارباب-رعیتی» که در تسمیه و رفتارهای روزمره و طبقات اجتماعی ساکنین نیز اثرگذار است، معرفی شدند (جدول ۱). عناصر ذکر شده که هویت منظر کشاورزی کامو و چوگان وابسته به آن است به عنوان مؤلفه‌های تمایزبخش و تشخیص‌دهنده می‌تواند در راهبردهایی که به منظور حفظ و توسعه منظر کشاورزی این مکان تنظیم می‌شوند، مؤثر باشد.

روستایی کشاورزی است که با مؤلفه‌های طبیعی محیطش همخوانی بالایی دارد. عناصر فرهنگی متمایزی در این گونه‌های فضایی مشاهده می‌شود که در دسته منظر کشاورزی قابل بررسی است. بر این اساس منظر کشاورزی ادغامی یکپارچه از عینیات کالبدی روستا در کنار مفاهیم ادراک شده اجتماع ساکن در آن است و بی‌توجهی به هر کدام از این دو وجه موجب مخدوش شدن منظر خواهد شد. بنابراین برای شناخت منظر کشاورزی کامو و چوگان ابتدا باید عناصر منظر آن شناخته شود. بر این اساس عناصر منظر کشاورزی این دو روستا در سه دسته «راضی کشاورزی»، «محصولات کشاورزی» و «اجتماع کشاورزی» قرار

جدول ۱. طبقه‌بندی عناصر منظر کشاورزی کامو و چوگان، مأخذ: نگارندگان

مصادیق	دسته‌بندی
جنس زمین: جنس زمین نیز در این مکان عامل تشخیص است؛ چنانکه خاک حاصلخیز این دو روستا به دلیل وجود اکسید آهن به سرخی تمایل دارد.	الف. اراضی کشاورزی
شیب زمین: از آنجا که کامو و چوگان بر دامنه بلندی‌های کرکس واقع شده است، در طول اراضی آن شیب‌های متفاوتی وجود دارد. با توجه به آنکه اساس نظام آبیاری مبتنی بر تنظیم شیب است، در منظرهای کلی اراضی کشاورزی به صورت زمین‌هایی با اشکال هندسی غیر همسان به نظر می‌رسد که هر کدام با شکلی منحصر به فرد بر شیب زمین فائق آمده‌اند.	
جهت: با توجه به آنکه آب اراضی کشاورزی توسط رودخانه کامو و رشته‌های قنات تأمین می‌شود، راستای حرکت طبیعی جریان آب بر روی زمین (شمال‌شرقی-جنوب‌غربی)، به صورت بنیادین جهت‌گیری این اراضی (شرقی-غربی) را تحت تأثیر قرار داده است.	
طبیعت گزیده محصورشده: اگر بپذیریم غالب شهرها مملو از عمارت‌های مصنوعی، و طبیعت بیرون نیز خالی از تصنع و انتزاع بشر است، می‌توان این طبیعت گزیده و کاشته‌شده را از عناصر منظر کشاورزی دانست. شکل غالب این طبیعت کاشته شده در روستا به صورت محدوده از زمین که با درختان عمودی و جداره‌های چوبی به چشم می‌خورد.	
(کلان) ترتیب کاشت زمین‌های کشاورزی، نظام کاشت: این دو روستا برخلاف نظم معمول سیستم کاشت کشاورزی (باغ- نهالستان- مزرعه)، نظام کاشت گیاهی متفاوتی دیده می‌شود که این موضوع خود موجب تمایز منظرین اراضی کشاورزی این محدوده شده است.	ب. محصولات کشاورزی
(خرد) محصولات کاشت، تاک: از شاخص‌ترین مناظر مثمر کامو و چوگان، تاک و میوه انگور است که علاوه بر وجه مادی دارای ارزش‌های فرامادی نیز شده است. نمونه آن نمود انتزاعی آن در بر بدنه داخلی قسمتی از امامزاده یوسف در قالب عنصری تزئینی است.	
بید: درخت بید در جوار رودخانه دیده می‌شود که اگرچه اثر چندانی از رودخانه باقی نیست ولی می‌توان بید را به عنوان نمادی خاطره‌انگیز از آن در ذهن آورد. همچنین از چوب این درخت برای ساخت ابزار و محصولات چوبی بهره می‌برند.	
صنوبر: ساکنین کامو با کاشت درختان صنوبر در اطراف زمین‌هایشان به بیان مالکیت اراضی می‌پردازند. علاوه بر آن فراوانی درختان صنوبر در شهر کامو و استفاده از آن چوب این درختان در تمامی لایه‌های زندگی مردم مورد توجه است.	
ایجاد نظام طبقاتی (به نوع ارباب رعیتی): به نظر می‌رسد در این نظام کشاورزی براساس عوارض طبیعی مانند حضور آب و کد ارتفاهی-قرارگرفتن روستای کامو در بالادست و روستای چوگان در پایین‌دست و روستای کامو در حکم کنترل‌کننده آب در این نظام- نظامی طبقاتی ایجاد شده است و ذهنیتی در ساکنین این منطقه ایجاد کرده است که نمود آن در اسامی ساکنین این محدوده -با نام‌ها اربابیان، رعیت و زارعیان- و رفتارها و مراودات اجتماعی‌شان هویدا شده است.	ج. اجتماع کشاورزی

- سامه، رضا و سامه، آسیه. (۱۳۹۳). بن‌مایه‌های محیطی و منظرین: انگیزه توسعه گردشگری روستایی، منظر، (۲۹)، ۴۰-۴۵.
- شرقی، علی؛ مهدی‌نژاد، جمال‌الدین و مولایی، مرضیه. (۱۳۹۵). کشاورزی در منظر شهری با رویکرد توسعه و شناخت چالش‌های آن، هفت شهر، (۵۵-۵۶)، ۱۱۸-۱۲۴.
- شیبانی، مهدی و اسماعیل‌دخت، مریم. (۱۳۹۴). شاربغ ایرانی، جایگاه باغ ایرانی در منظر شهری، منظر، (۳۳)۷، ۱۴-۲۱.
- شیبانی، مهدی و صادقی، زهرا. (۱۳۹۱). منظر مثمر، توجه به محیط، نقش کشاورزی در شکل‌گیری منظر شهری، منظر، (۲۱)، ۱۵-۱۰.
- صادقیان، حمید و مدنی، لیلا. (۱۳۸۸). بررسی نقش مایه درخت بید مجنون در قالی نقش خشتی استان چهارمحال بختیاری. مجله علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران، (۱۲)، ۶۹-۸۶.
- قاسمی، ایرج. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی کالبدی حوزه‌های گردشگری روستایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم توسعه. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۲). تحولات اجتماعی در روستاهای ایران. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). منظر شهری: کنترل امرکیفی با مؤلفه‌های کمی، منظر، (۱۱)، ۶-۷.
- مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
- ناصری، سینا. (۱۳۹۷). بررسی منظر روستایی استان کرمان به‌عنوان میراثی در خطر، منظر بومی کرمان. تهران: پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر.
- Kizos, T. & Koulouri, M. (2006). Agricultural landscape dynamics in the Mediterranean: Lesvos (Greece) case study using evidence from the last three centuries, *Environmental science & Policy*, (9), 330-342.
- Marshal, E. J. P. (2002). Agricultural Landscapes: Field Margin Habitats and Their Interaction with Crop Production, *Journal of Crop Improvement*, (12), 365-404.



تصویر ۶. قرارگیری روستای کامو در بالادست و روستای چوگان در پایین‌دست که به اهالی کامو امکان تسلط بر جریان آبی را اعطا نموده‌است. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت

۱. اگرچه امروزه این مجموعه زیستی با عنوان شهر شناخته می‌شود، ولی شاخصه قابل توجه آن حفظ ساختار روستایی پیشین است که آن را از هم‌نوعان خود متمایز می‌نماید. پررنگ‌بودن این ویژگی پژوهشگر را مجاب می‌کند تا شناخت روستا را از حوزه پژوهش منظر شهری، به منظر روستایی سوق دهد.

فهرست منابع

- تقوایی، سید حسن. (۱۳۹۲). منظر روستایی و جلوه‌های پرداخت محیط طبیعی، مسکن و محیط روستا، (۱۴۳)، ۱۵-۳۸.
- جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، هویت شهر، (۸)، ۲۷-۳۷.
- راهب، غزال. (۱۳۸۴). درنگی در مفهوم روستا، محیط‌شناسی، (۴۱)، ۱۰۵-۱۱۶.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۸). از شار تا شهر: تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثیر. تهران: دانشگاه تهران.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

همتی، مرتضی و امیری، آذرنوش. (۱۳۹۹). بازشناسی عناصر منظر کشاورزی کامو و چوگان. مجله هنر و تمدن شرق، ۸ (۲۹)، ۲۳-۳۰.

DOI: 10.22034/jaco.2020.238934.1163

URL: http://www.jaco-sj.com/article_115244.html

